

مذاکرات مستقیم جمهوری اسلامی و عراق در نیویورک

عراق در برابر فشارهای بین‌المللی پذیرفت که دور جدید مذاکرات در نیویورک برگزار شود ولی با انتقال کلی محل مذاکرات از ژنو به نیویورک مخالفت ورزید. اینک پس از حدود ۲ هفته وقفه در جریان مذاکرات، وزرای خارجه دو کشور طبق قرار قبلی در نیویورک ملاقات خواهند کرد. مفاد اصلی مذاکره، در کنار قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و مواد آن، طرح اجرایی دبیرکل سازمان ملل و پیش شرطهای عراق بحساب می‌آید.

بقیه در صفحه ۲

مذاکرات جمهوری اسلامی و عراق که از روز سه‌شنبه ۲۲ شهریورماه قطع شده بود، این هفته در نیویورک پی‌گرفته خواهد شد. دور آخر مذاکرات هیاتهای فنی دو کشور و از جمله ملاقات کوتاه ولایتی و طارق عزیز در روز ۲۲ شهریور ماه، مربوط به انتقال محل مذاکرات از ژنو به نیویورک بود. دولت عراق در دور آخر مذاکرات که به ریاست الیاسون سفیر سوئد در سازمان ملل برگزار شد، با انتقال محل مذاکرات از ژنو به نیویورک ابراز مخالفت کرد. دولت

اکبریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکبریت) در خارج از کشور

دو شنبه ۱۱ مهر ۱۳۶۷ برابر ۱۳ اکتبر ۱۹۸۸

هء ۶۵۰۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۲۷

وجدان‌های بیدار علیه «قاتلان خلق‌ها»



حرکت‌های اعتراضی نشان‌دهنده بیداری وجدانها و نشان‌دهنده همبستگی خلقها در اروپا، آسیا و آفریقا و آمریکاهیه سرمایه‌های انحصاری بود.

آلمان فدرال و برلین غربی و جمعی از نویسندگان و محققان و شخصیت‌های بشردوستانه آشکاری وسیع از سیاستهای فارتگرانم صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به حمل آوردند. این

کنگره دو نهادی که بر آنها «اتحادیه قاتلان خلقها» نام نهاده‌اند، کنگره‌ای تشکیل دادند که در آن نمایندگان جنبش‌های انقلابی، نمایندگان احزاب و سازمانهای چپ و ترقی‌خواه در

عکس نشان‌دهنده صحنه‌ای از تظاهرات ۸۰۰۰۰ نفره نیروهای در برلین غربی علیه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است. کنگره این دو نهاد فارتگر امپریالیستی، که کمر کشورهای جهان سوم را در زیر فشار وامها و بهره سنگین خم کرده‌اند، در روزهای ۲۷ تا ۲۹ سپتامبر در برلین غربی برگزار گردید. برلین غربی از دو هفته قبل از تشکیل این کنگره شاهد حرکت‌های اعتراضی و افشاگر پر بازتاب نیروهای ترقی‌خواه علیه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بود. در این شهر هملاً حکومت نظامی برپا شده بود. واحدهای تقویت‌شده پلیس بارها به تظاهرکنندگان حمله کرده، هدهای رازخی و در هر بار دهها نفر را دستگیر کردند.

نیروهای ترقی‌خواه در مقابل به

در این شماره

اجلاس بین‌المللی نویسندگان:

«جهان سوم، جهان ما»

در صفحه آخر

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول:

ابزار غارتگری و ستم

در کشورهای جهان سوم

در صفحه ۶

عاقلاانه‌ترین کار، انقلاب است

مصابه نشریه «جهان سوم با ریکاردو ریبر» نماینده جبهه رهایی‌بخش ملی فارابوندومارتی السالوادور در آلمان فدرال

در صفحه ۸

جمهوری اسلامی و بحران نفت

تقاضای نفت و از آن جمله تقاضای جهان برای نفت اوپک، بهای نفت را از بشکه‌ای ۳۴ دلار به ۲۹ دلار کاهش دهند. کاهش بهای نفت از ۳۴ دلار به ۲۹ دلار در شرایطی صورت گرفت که هملاً بهای نفت در معاملات جهانی زیر میزان ۳۰ دلار صورت می‌گرفت و حتی کشورهای عضو اوپک نیز زیر حد تعیین شده قیمت، معامله می‌کردند. علت اصلی کاهش بهای نفت، جدا از سیاستهای زنجیره‌ای شرکت‌های بزرگ نفتی - نفت خواهران نفتی، گرانی بهای نفت بود که اولاً استفاده از برخی از مواد انرژی‌زای غیرنفتی را ممکن می‌ساخت و ثانیاً امر بهره‌برداری از ذخایر نفتی پرمزینه را ممکن ساخته بود. کشف منابع نفتی و بهره‌برداری از نفت دریای شمال و از جمله احداث تأسیسات پرمزینه استخراج نفت از حوزه‌های نفتی این منطقه که تنها در اثر قیمت بالای نفت، میسر گردیده بود، باعث آن شد که نقش اوپک در تأمین نفت مصرفی جهان کاهش یابد.

بقیه در صفحه ۲

بحران بی‌ثباتی بهای نفت که از مارس ۱۹۸۳ رخ داد، نه تنها کماکان ادامه دارد، بلکه در سالهای اخیر ابعاد بی‌سابقه‌ای یافته است. بی‌ثباتی بهای نفت و از میان رفتن تعادل عرضه و تقاضای این فراورده در ابعاد جهانی را اصطلاحاً «بحران نفت» نام نهاده‌اند. در شرایطی که جمهوری اسلامی و عراق - دو عضو اوپک - مسئله بازسازی اقتصادی و همراهی و بنابر اعراف خودشان تسلیح هرچه بیشتر را در پیش روی خود دارند، دنبال کردن تحولات مربوط به اوپک و نفت بطور کلی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بررسی علل و عوامل موثر در ایجاد و گسترش بحران نفت، البته در این مختصر نمی‌گنجد. اما ذکر برخی از این عوامل بحران را، برای توضیح وضعیت فعلی حاکم بر بازار جهانی نفت و اوضاع بحرانی اوپک - سازمان کشورهای صادرکننده نفت - مفید است. در ماه مارس ۱۹۸۳، اجلاس وزرای نفت کشورهای عضو اوپک عملاً تصمیم گرفتند، برای ایجاد تعادل مجدد بین عرضه و

جمهوری اسلامی و بحران نفت

بقیه از صفحه اول

عرضه جدید نفت در برابر عرضه نفت سنتی کشورهای صادرکننده و همچنین روآوری برخی از کشورها به استفاده از گاز و انرژیهای هسته‌ای باعث شد که بهای نفت از ۳۴ دلار برای هر بشکه به ۲۹ دلار کاهش یابد. نقش اوپک در تامین نفت مصرفی جهان نیز بموازات کاهش بهای نفت رو به کاهش نهاد و از حدود ۷۵ درصد به ۳۴ درصد در سالهای اولیه ده هشتاد میلادی رسید. از آن هنگام به این سو، بهای نفت در مدار نوسان خود مداوم رو به کاهش نهاد و حتی عملاً به زیر ده دلار برای هر بشکه رسید.

اوپک و بحران نفت

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، از بحران نفتی به شدت زیان دید. کشورهای صادرکننده نفت عضو این سازمان که عمدتاً کشورهای تک‌پایه و نفتی محسوب می‌شوند، به دنبال کاهش بهای نفت، از نظر مالی دچار صدمات فراوانی شدند. کاهش بهای نفت تا یک چهارم، بودجه ارزی این کشورها را به شدت کاهش داد، توه خرید خارجی را به شدت تضعیف کرد و تراز بازرگانی خارجی این کشورها را بهم ریخت. تصمیم توفیق‌آمیز اجلاس دسامبر ۸۶ کشورهای عضو اوپک،

مبنی بر تعیین سهمیه و بهای ثابت دیری نیانید، بهای نفت تولیدی کشورهای عضو هرگز براساس بهای پایه - ۱۸ دلار برای هر بشکه - ثابت نماند و روند نزولی خود را که امکان طی کرد، تولید اضافه بر سهمیه تعیین شده از سوی برخی از کشورهای عضو اوپک و از آن جمله عربستان سعودی و امارات متحده و سیاستهای نامهربانگ عراق در ارتباط با مصوبات اوپک، باعث ادامه بحران نفتی در حوزه تولید و عرضه نفت اوپک گردید. میزان اضافه تولید نفت اوپک را بالغ بر ۴ میلیون بشکه در روز برآورد می‌کنند.

جمهوری اسلامی که هزینه کشتیرانی و حمل نفت از پایانه‌های نفتی اصلی و از جمله ترمینال نفتی خارک به "نقاط امن" و همچنین هزینه بیمه کشتیرانی را نیز می‌بایست از درآمد ارزی نفتی خود کسر کند، پیش از سایرین از کاهش بهای نفت آسیب دید. رژیم حتی برای بازیابی نفت خود در سالهای جنگ، تخفیفهای ویژه‌ای قائل گردید که این نه تنها برخلاف مصوبات اوپک بود، بلکه درآمد ارزی رژیم را باز هم محدودتر می‌ساخت. از سوی دیگر کاهش توان تولیدی نفت رژیم که گاه تا ۱/۵ میلیون بشکه در روز تقلیل می‌یافت - سهمیه تعیین شده ایران ۲/۴ میلیون بشکه در روز

است - و همچنین واردات فرآورده‌های نفتی نیز در تحدید درآمد ارزی رژیم فوق‌العاده موثر بودند. جمهوری اسلامی پس از ویرانی پالایشگاههای اصلی کشور و از جمله پالایشگاه آبادان، ناگزیر شد سالانه ۲ میلیارد دلار صرف واردات بنزین و دیگر فرآورده‌های نفتی بکند.

بحران نفتی و بویژه بحران نفتی در حوزه کشورهای خلیج، حتی پس از برقراری آتش بس که امکان ادامه دارد، روند نوسانی بهای نفت، مدام میل به کاهش داشته و در هفته‌های گذشته در اثر تولید بیش از حد، به حد نازلی رسیده است. کاهش بهای نفت و تولید مازاد بر سهمیه کشورهای عضو، بحران درونی اوپک را تشدید کرده است. هفته گذشته، در مادرید، جلسه کمیته تعیین قیمت اوپک، بدون دستیابی به یک تصمیم مشخص به کار خود خاتمه داد.

عدم موفقیت جلسه فوق‌الذکر که از وزرای نفت کشورهای الجزایر، اندونزی، ونزوئلا، عربستان سعودی و تجربه تشکیل شده است، باعث کاهش باز هم بیشتر بهای نفت گردید. بنا به گزارش خبرگزاری رویترز از لندن، بهای نفت دریای شمال برای معامله در ماه نوامبر به بشکه‌ای

معادل ۱۲/۹۷ دلار رسید، این درحالی است که بنا به گزارش کارشناسان امور نفتی، بهای نفت دویی تا حد ۱۵ دلار برای هر بشکه کاهش یافته است.

بودجه ارزی جمهوری اسلامی در اثر کاهش بهای نفت به شدت کاهش یافته است. رژیم که در سال مالی ۶۲ - ۶۱ موفق شده بود بین ۲۲ تا ۲۴ میلیارد دلار واردات داشته باشد، بودجه ارزی اش در سالهای اخیر تا زیر ۶ میلیارد دلار نیز رسید. باین مقدار بودجه ارزی رژیم حتی قادر نیست که نیازهای مصرفی کشور را برآورده سازد، مسئله بازسازی اقتصادی و همراهی که اصولاً مقوله دیگری است جمهوری اسلامی برای سال ۶۷ حدود ۱۲ میلیارد دلار بودجه ارزی تعیین کرده است، گرچه حدود ۲ میلیارد دلار آن حتی بنا به اعتراف خود مسئولان رژیم نوهی اعتبار خارجی است، حصول بقیه نیز یک پیش‌بینی فیهواقعی بوده و هرگز تحصیل نخواهد شد. حتی اگر همین رقم را مبنا قرار دهیم می‌توان گفت رژیم با بحران ارزی حادی دست به گریبان است و از این زاویه نیز بیش از پیش به "دلارهای مقدس" اعتباری و "از آب گذشته" چشم خواهد دوخت.

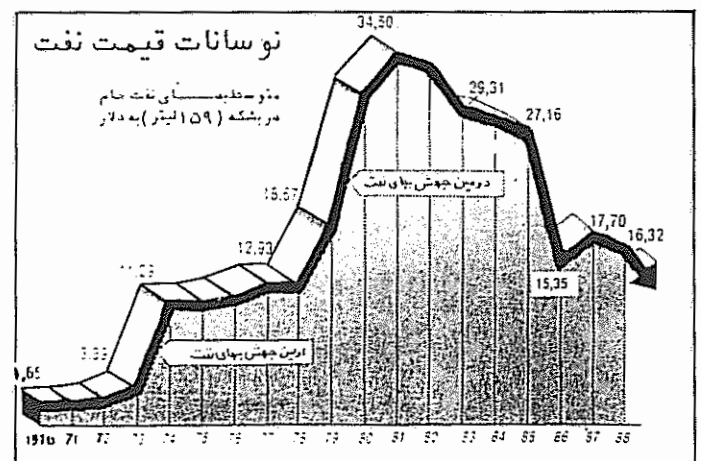
مذاکرات مستقیم جمهوری اسلامی و عراق در نیویورک

می‌داند. هاشمی رفسنجانی جانشین فرماندهی کل توای رژیم همچنین اعلام کرد که جمهوری اسلامی حاضر به پذیرش تغییر مفاد معاهده ۱۹۷۵ الجزایر نیست. بر این منوال مذاکرات دو کشور، در پرده ابهامات بسیار در هفته جاری در نیویورک، پی گرفته خواهد شد.

در نيمروز یکشنبه ۱۵ مهر خبرگزاری‌ها گزارش دادند که مذاکرات مستقیم پس از چهار ساعت گفتگوی بی‌نتیجه و متشنج قطع شده است. قرار است مذاکرات به‌طور جداگانه و از طریق سازمان ملل متحد ادامه یابد.

بقیه از صفحه اول

دولت عراق برقراری آزادی کشتیرانی در آبهای حوزه تنگه هرمز و لایروبی بلادرنگ شط العرب (اروند رود) را بعنوان پیش شرطهای خود قرار داده است، از سوی دیگر دولت عراق نسبت به مرزهای تعیین شده در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در شط العرب ابراز مخالفت می‌کند. از سوی برخی از مقامات عراقی نه خط القصر که ساحل شرقی این رودخانه بعنوان مرز ایران و عراق اعلام شده است. جمهوری اسلامی نیز آزادی کشتیرانی را منوط به برقراری صلح کرده و معتقد است که تا عدم امضا قرارداد صلح، حق بازرسی و کنترل کشتی‌ها را، حق قانونی خود



پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

اعتصاب غذا در ووپرتال

کشتار در زندان های پایان یابد.
۳ - تلاش کشورهای اروپایی، بخصوص آلمان فدرال را در جهت تقویت دیکتاتوری اسلامی محکوم کرده و خواستار افشای چهره جنایتکارانه و تروریستی جمهوری اسلامی هستیم.

۴ - سرکوب خلق کرد را که از سوی رژیم های ارتجاعی منطقه (عراق، ایران و ترکیه) و با استفاده از سلاح های مرگبار و شیمیایی انجام می گیرد محکوم کرده، از اقدام خلق کرد در جهت تعیین حق سرنوشت خویش حمایت می نماییم.

۵ - ما ضمن خرسندی از پیروزی مردم ایران در تحمیل آتش بس به رژیم جنگ افروز خمینی، اقدام رژیم را در جهت تدارک دوباره جنگ که با فرستادن مردم به جبهه ها و خرید سلاح های مرگبار صورت می گیرد محکوم کرده و افکار عمومی جهان را به آن جلب می کنیم.

ووپرتال آلمان فدرال: از روز سه شنبه ۲۹ شهریور (۲۵ سپتامبر) عده ای از ایرانیان مبارز مقیم شهر ووپرتال در راستای همبستگی با زندانیان سیاسی ایران دست به اعتصاب غذای سه روزه ای زدند.

این اعتصاب که با هدف افشای ماهیت ضد بشری رژیم خمینی و آگاه کردن افکار عمومی از ترور و اختناق حاکم بر ایران صورت گرفته بود، در رسانه های خبری منجمله روزنامه W.Z. فرستنده رادیو - تلویزیونی W.D.R. بازتاب یافت و از حمایت بیدریغ نیروهای مترقی، شخصیت های علمی و دانشجویان دانشگاه ووپرتال برخوردار شد.

در قطعنامه شرکت کنندگان آمده است.

۱ - لغو حکم اعدام از مبارزین دریند.

۲ - زندانیان سیاسی ایران بی درنگ و بدون قید و شرط باید آزاد گردند و هرگونه شکنجه و

اعتراض به شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی

گردهمایی در پاریس

بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۹ سپتامبر به دعوت کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران جمع کثیری از ایرانیان آزادیخواه مقیم پاریس که شرکت و تنوع نمایندگان نیروهای انقلابی و دمکراتیک ایرانی در بین آنها چشمگیر بود، در میدان حقوق بشر پاریس گرد هم آمدند و با شعارهای مرگ بر خمینی، جلا، زندانیان سیاسی را آزاد کنید، به قتل هم زندانیان سیاسی در ایران پایان دهید، خواستار قطع فوری اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی در ایران شدند.

قطعنامه این گردهمایی که از نمونه های برجسته حرکات

اعتراضی ایرانیان مقیم پاریس بود توسط هیاتی از نمایندگان کمیته به دفتر سازمان ملل متحد در پاریس ارائه گردید.

در این قطعنامه ضمن شرح موج جدید شکنجه و اعدام در زندان های جمهوری اسلامی از سازمان های دمکراتیک و بشردوست بین المللی تقاضا شده است که با اعتراض خود مانع اعدام زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی شوند. از سازمان ملل متحد نیز درخواست شده که هرچه زودتر هیاتی را برای رسیدگی به وضع زندانیان سیاسی و جلوگیری از اعدام های دسته جمعی به ایران اعزام دارند.

جشن «صدای خلق»

این کشورها نمایشگر همبستگی بین المللی در راه آرمانهای مشترک مردم جهان یعنی صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بودند.

از غرغه کار ارگان کمیته مرکزی سازمان ما و نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران در دهکده همبستگی بین المللی افراد بسیاری منجمله جمع کثیری از هموطنان ایرانی دیدار کردند. امسال هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (پیرو بیانیه ۱۶ آذر) - در اتریش و هواداران سازمان آزادی کار ایران (فدائی) نیز در این جشن غرغه داشتند. در جشن امسال «صدای خلق»، تاکید عمده نیروهای ایرانی شرکت کننده در جشن بر جلب و تاکید همبستگی با مبارزین اسیر در سیاهچال های جمهوری اسلامی استوار بود.

رفیق فرانتس موری صدر حزب کمونیست اتریش با حضور خود در غرغه کار ضمن اعلام همبستگی خود و کمونیست های اتریشی با زندانیان سیاسی ایران، برای کمونیست های ایرانی مبارزه شان برای صلح پایدار، آزادی و نیکبختی مردم ایران آرزوی موفقیت کرد.

حضور نمایندگان این روزنامه ها و ورزشکاران و هنرمندان بزرگ و صاحب نام از کشورهای گوناگون، مسابقات ورزشی، برنامه های هنری و تفریحی متنوع و بحث های جمعی ادیبان و هنرمندان پیشرو بر جاذبه جشن می افزود.

در قسمتی از محوطه جشن که بنام دهکده همبستگی بین المللی موسوم بود، نیروهای کمونیست و سایر نیروهای مترقی و مبارز کشورهای سرمایه داری با خلقهای

جشن چهل و دومین سال انتشار روزنامه «صدای خلق» ارگان حزب کمونیست اتریش در روزهای ۳ و ۴ سپتامبر در گردشگاه زیبای «پراتر» واقع در شهر وین و با شرکت نزدیک به صد هزار نفر برگزار گردید. در جشن امسال علاوه بر غرغه های متعدد احزاب و سازمانهای کمونیست و مترقی، دهها روزنامه مترقی و ارگانهای احزاب کمونیست کشورهای مختلف جهان نیز غرغه داشتند.



تظاهرات

در مونیخ

مونیخ آلمان فدرال: روز ۱۹

شهریور (۱۰ سپتامبر) مرکز شهر مونیخ شاهد تظاهرات ایستاده فدائیان خلق در اعتراض به شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی در ایران بود. این اقدام که حدود چهار ساعت طول کشید با استقبال چشمگیر شهروندان آلمانی مواجه گردید. تعدادی از آلمانی ها با دریافت کارتهای اعتراض به اعدام زندانیان سیاسی و بیان این نکته که آنها را امضا و برای ایران ارسال خواهند کرد، نفرت و انزجار خود را از سیاستهای ضد انسانی ارتجاع حاکم بر کشور ما ابراز داشتند.

حرکت انشاکرانه فدائیان که بصورت نمایش صحنه اعدام، نصب پلاکاردهای حاوی شعارهایی در دفاع از زندانیان سیاسی و محکوم کردن جنایات رژیم در زندانها تبلور یافت، حمایت بسیاری از ایرانیان آزادیخواه را نیز برانگیخت. هموطنان ما با حضور در محل، خرید نشریات و گرفتن اعلامیه و همچنین گفتگو با فدائیان، همبستگی خویش را با مبارزین راه آزادی اعلام داشتند.

خمینی: برای من محتشمی و ناطق نوری فرقی ندارد

جماران، موضوع را مجدداً به خمینی ارجاع دادند. ناطق نوری وزیر سابق کشور و از رسالتی‌های بنام در این نامه به خمینی نوشت: «همان طور که مستحضر هستید در رابطه با رای اعتماد به اعضای محترم دولت از حضرت تعالی

راجع به حجت الاسلام محتشمی وزیر کشور سئوالی شد که پاسخ آن در روز رای گیری بین نمایندگان پخش و از تریبون مجلس خوانده شد و ایشان مجدداً به عنوان وزیر کشور انتخاب شدند. لکن بعضی در سطح مجلس حتی تریبون مجلس چنین منعکس نمودند کسانی که به آقای محتشمی رای مثبت ندادند مخالفت با فرمان شما کردند چنانچه مصلحت می‌دانید بیان فرمایید آیا نظر مبارک رای مثبت دادن به ایشان بود؟ و کسانی که رای ندادند خلاف فرمان حضرت تعالی که تهرات خلاف شرع هم هست عمل نمودند یا خیر؟ و خمینی در پاسخ نوشت: «... من تمام سعی خود را می‌نمایم... برای من شما و آقای محتشمی فرقی ندارد...»

دستور هلی خمینی به نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای دادن رای اعتماد به محتشمی وزیر کشور کابینه موسوی اعتراض آشکار و نهان مخالفین محتشمی را علیه خمینی نیز برانگیخت. نمایندگان که در جلسه بررسی وزرای کابینه، جرات نکردند علیه نامه تأییدآمیز خمینی از محتشمی سخن بگویند، هملاباریختن ۱۵۶ رای مخالف، فتوای خمینی را زیر پا گذاشتند. خمینی دو هفته پیش در جریان درگیری پیرامون صدور رای اعتماد به موسوی و کابینه وی، نامه محرمانه‌ای به مجلس و هیات وزیران نوشت و در آن محتشمی را دوست قدیمی خود و از چهره‌های با «هوش سیاسی» جمهوری اسلامی خواند و از مجلس خواست که وی را از جمع وزرا کنار نگذارد. پیش از رای گیری نمایندگان هم جناح محتشمی در مجلس با تراش نامه خمینی تبلیغ کردند که مخالفت با محتشمی، به معنی مخالفت با خمینی و «خلاف شرع» است. اختلاف بر سر تفسیر دوستی خمینی و محتشمی بالا گرفت و مخالفین بار سال نامه‌ای به

سرشماری عمومی کشاورزی

آن با ۲۷ هزار و ۷۶۶ به استان بوشهر تعلق دارد. شمار شرکت‌های رسمی و دولتی که فعالیت کشاورزی انجام می‌دهند ۳۵۲۶ واحد است که استان تهران با ۴۳۸۱ واحد بیشترین و استان بوشهر با ۱۸ واحد کمترین رقم را در اختیار دارند.

طبق توضیحات جمشیدی از مجموع خانوارهای سرشماری شده، ۲ میلیون ۴۴۵ هزار و ۴۲۶ بهره‌بردار دارای فعالیت زراعی هستند که ۷۴ درصد کل نیروی بهره‌بردار را دربر می‌گیرد و ۲۶ درصد بقیه در بخش‌های باغ داری، پرورش دام و ماکیان، زنبورداری و پرورش گل و گیاه، کرم ابریشم و ماهی توزیع شده‌اند. ارزیابی نخستین سرشماری نشان می‌دهد که مهاجرت روستائیان به شهرها و ویرانی روستاها طی سالهای اخیر شدت یافته است. بر اساس آمارگیری اخیر تنها در مشهد مرکز استان خراسان، از ۷۱۸۵ روستا ۵۷۳ آبادی، یعنی بیش از یک سوم روستاهای منطقه خالی از سکنه است.

نتایج نخستین طرح سرشماری عمومی کشاورزی از سوی رئیس مرکز آمار ایران در اختیار رسانه‌های گروهی قرار گرفت. بنابر اظهارات جمشیدی رئیس مرکز آمار ایران، نزدیک به ۲۹ درصد (سه میلیون و دویست هزار نفر) از یازده میلیون جمعیت شافل کشور در بخش کشاورزی اشتغال دارند. از این تعداد نیروی شافل، ۲ میلیون و ۹۵۰ تن مرد و ۲۵۰ هزار تن زن هستند.

بر اساس طرح سرشماری کشاورزی، ۲ میلیون و ۹۸۷ هزار و ۵۹۵ خانوار بهره‌بردار مورد شناسایی قرار گرفته‌اند که این تعداد حدود ۳ میلیون و ۳۵۰ هزار و ۱۸۱ واحد بهره‌بردار را برعهده دارند. بهره‌بردار در طرح به کشاورزی که شخصاً مسئولیت فنی-اقتصادی کشاورزی را انجام می‌دهند، اطلاق می‌شود. بیشترین تعداد خانوار بهره‌بردار با رقم ۳۸۱ هزار و ۷۲۵ متعلق به استان خراسان و کمترین

هادی سازی روابط با انگلستان

«سر دیوید یاپرز» دستیار معاون وزارت امور خارجه انگلستان در امور خاور میانه با مدیرکل سیاسی اروپای غربی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی دیدار کرد. در روز پنجشنبه در پایان گفتگوهای ژنو متن یک بیانیه و یک طرح اجرایی برای هادی سازی روابط دو کشور با توافق طرفین انتشار یافت. در حاشیه گفتگوها، خرید یک نوع هواپیما آموزشی هاوک از انگلیس نیز مورد بررسی قرار گرفت.

در لندن دفتر شرکت هواپیمایی «بریتیش ایرویز» اعلام کرد پروازهای هواپیماهای این شرکت از زمستان سال جاری از سر گرفته خواهد شد. پروازهای «بریتیش ایرویز» به تهران از ۲۴ آذر سال ۶۳ قطع شده است.

روز جمعه ۹ مهرماه در پی دیدار وزرای خارجه ایران و انگلیس در حاشیه برگزاری اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک اعلام شد که دو کشور تصمیم گرفته‌اند روابط دیپلماتیک خود را از سرگیرند. مذاکرات ولایتی و جفری‌ها و در نیویورک در چارچوب توافقی که در گفتگوهای مقدماتی هیات‌های سیاسی ایران و انگلیس در ژنو به عمل آمده بود، صورت گرفت.

گفتگوهای مقدماتی ژنو که در واقع ادامه مذاکرات ۱۵ روزه «دیوید ردوی» فرستاده ویژه تاجر به تهران بود، روز دوشنبه آغاز شد و سه روز به طول انجامید. روز دوشنبه چهارم مهرماه یک هیات رسمی انگلیسی به سرپرستی

قیمت اتوبوس‌های

شرکت واحد دوبرابر شد

شرکت اتوبوسرانی تهران وابسته به شهرداری، طی یک ماه اخیر در بخش‌هایی از محدوده شهر «طرح اتوبوس‌های ریالی» را به راه انداخته است در این اتوبوس‌ها، به جای کنترل بلیط مسافری، از آنان وجه نقدی اخذ می‌شود. بهانه شهرداری برای اجرای «طرح» طبق دفعات قبل، ایجاد تسهیلات تازه در ترافیک شهری و تسریع نقل و انتقال مسافری بود. اما از روزی که اجرای «طرح» آغاز شده است، کرایه اتوبوس‌ها صدها درصد افزایش یافته و از ۱۰ ریال به ۲۰۰ ریال رسیده است. یعنی کرایه‌ای معادل مینی‌بوس‌های خصوصی و شرکت‌های تعاونی. شهرداری برای اینکه مردم را وادار به پذیرش افزایش جدید قیمت‌ها بکند، همداً از تعداد خطوط و اتوبوس‌ها کاسته است تا بدین طریق مسافری تحت فشار قرار گیرد.

در گذشته نیز وقتی قرار بود قیمت بلیط از ۲ ریال به پنج ریال و بعد از ۵ ریال به ۱۰ ریال افزایش یابد، ابتدا در تعدادی خطوط به بهانه «رفایت حال مردم» قیمت‌ها را بالا بردند و بعد از مدتی نرخ جدید را در تمام تهران تثبیت کردند. کاهش تعداد کارمندان شرکت اتوبوسرانی و تثبیت افزایش قیمت از اهداف طرح تازه است.

یک اعتراف رسمی: ۱۷ درصد

نرخ رشد بیکاری در سال

کیهان ۱۷ شهریور - مصطفی هاشمی مشاور صنعتی نخست وزیر در «هفته بانکداری اسلامی» آمار و اطلاعاتی از اوضاع عمومی اقتصادی - اجتماعی کشور ارائه داد. وی ضمن تأکید بر اقتصاد تک محصولی ایران گفت: «حدود ۹۷/۲ درصد وابستگی به ارز نفتی برای امرار معاش داریم، این تنها راه معاش توسط کشورهای پیشرفته دائماً دستخوش نوسان می‌شود و درآمداری کشور در چنین شرایطی از ۹/۵ تا ۱۰/۵ میلیارد دلار تجاوز نخواهد کرد». در هفته بانکداری اسلامی همچنین در زمینه وضع اشتغال گفته شد: «جمعیت امروز کشور نسبت به ۲۰ سال قبل حدود ۲ برابر شده یعنی ۲۵ میلیون نفر نان خور اضافه شده و نیاز به غذا، پوشاک، مسکن، راه، بهداشت، آموزش و غیره دارند. از ۱۳/۲ میلیون نفر جمعیت فعال کشورمان ۱۱/۲ میلیون نفر شافل به کار و ۲ میلیون نفر بیکار داریم، در حالیکه نرخ رشد بیکاری کشور از ۱۴ درصد به ۱۷ درصد در سال رسیده است. یعنی سالیانه به ۶۰۰ هزار شغل نیاز داریم تا این نرخ بیکاری را مهار کنیم، طبق بررسی ۴۴ درصد مشاغل به خدمات و ۳۰ درصد به کشاورزی و ۱۵ درصد به صنعت و بقیه به نفت و گاز اختصاص دارد».

مهندس آرمی مدیرعامل بانک صنعت و معدن در همین اجلاس خاطرنشان ساخت که تامین شغل برای این عده، نیاز به ۹ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری یعنی معادل درآمداری سالیانه

زنگه‌ها به صدادرآمدند



اول صبح شنبه، بهار شاداب و پر طراوت زندگی در نخستین زمزمه‌ها در پاییز طبیعت گل افشان شد. زنگ‌ها به صدادرآمدند و بیش از ۱۲ میلیون دانش‌آموز سال تحصیلی را آغاز کردند، همراه با اضطراب از آینده و افسوس برای همشاگردی‌هایی که در لیب آتش جنگ خاکستر شدند، هیچ شاخه‌گی بر نیمکت‌های خالی، خطر و جودانان را جبران نمی‌کند.

لیست کتابهای غیر مجاز برای ار سال به خارج

ریاضیات، هندسه، فیزیک، شیمی و طراحی، جزوه‌های تعلیم زبان‌های خارجی و نقشه‌های جغرافیائی و اطلس‌ها در زمره "کتاب مجاز" بشمار می‌آیند و "کتاب گروه‌ها و افراد محارب، کتب خطی و نایاب، کتب افست شده، لغت‌نامه دهخدا، معین، آریانپور (۵ جلدی)، دائرةالمعارف مصاحب" از جمله کتب غیرمجاز اعلام شده‌اند.

بر اساس بخشنامه جدید اداره کل مطبوعات و نشریات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رژیم، "برای یک نوبت در سال، ارسال کتاب و نشریه به خارج تا ۱۵ هزار ریال آزاد شد". در این بخشنامه همچنین لیست کتب مجاز و غیرمجاز اعلام شده‌است. طبق این بخشنامه جدید، قرآن - مشروط بر اینکه بهای "هدیه" آن از ۱۵ هزار ریال بیشتر نباشد - جزوه‌های درسی مانند

ژاپن محدودیت واردات نفت ایران را لغو می‌کند

تعیین شده از جمهوری اسلامی نفت خریداری کنند.

رویتر گزارش می‌دهد که منابع صنعت نفت ژاپن اعلام کرده‌اند که سیاست آمریکا در ماه‌های اخیر در قبال ایران رو به تغییر بوده‌است و این امر به وزارت بازرگانی خارجی و صنعت ژاپن امکان داده تا موضع خود را تغییر دهد. به گفته مسئولین صنعت نفت ژاپن دولت ژاپن پیش از لغو محدودیت با آمریکا تماس گرفته‌است.

به گزارش خبرگزاری رویتر، دولت ژاپن محدودیت‌هایی را که برای واردات نفت ایران برقرار کرده بود از اول ماه اکتبر (۹ مهرماه) لغو میکند. گزارش رویتر از سوی وزارت بازرگانی خارجی و صنعت ژاپن (میتی) تأیید شده‌است. دولت ژاپن در زمستان سال گذشته در پی درخواست آمریکا مبنی بر تغییر در سیاستهای اقتصادی با ایران، برای واردات نفت سقف ۲۰۰ هزار بشکه‌ای تعیین کرده بود و شرکت‌های ژاپنی نمی‌توانستند حتی با بهای ارزان نیز بیش از سقف

کشور دارد. وی آنگاه این سؤال را مطرح نمود که "پس بقیه نیازهای کشور را از کجا تأمین کنیم؟" - در هفته بانگداری اسلامی همچنین میزان بودجه نظامی کشور در دوران صلح - تنها بخش ارزی آن - معادل ۳ میلیارد دلار در سال اعلام شد. باید خاطر نشان کرد که بنا به اعتراضات سابق خود مسئولین رژیم، میزان بیکاری کشور بیش از ۲ میلیون نفری است که مشاور صنعتی نخست وزیر ادغامی کند.

چند فقره از دزدیهای کلان در جمهوری اسلامی

از میان ۲/۷ میلیون واحد تولیدی توزیعی و خدماتی، ۱/۱ میلیون واحد طی سال گذشته با همکاری ارگانهای دولتی از جمله وزارت صنایع، سنگین، سپاه، وزارت مسکن و شهرسازی، نخست‌وزیری، وزارت درمان و بهداشت دزدیهای کلانی انجام داده‌اند. هفته گذشته کلیات چند فقره از این دزدیها در مطبوعات انعکاس یافت. به قرار زیر:

۱ - پرونده سوء استفاده از مجوزهای سپاه پاسداران که توسط افرادی از بخش خصوصی با کمک افرادی از سپاه پاسداران انجام شده‌است.

۲ - پرونده کانون صندوق‌های قرض الحسنه اصفهان مبنی بر - نگهداری ۴۹۰۰ دستگاه بخاری گازی که باعث افزایش قیمت آن از ۴ هزار تومان به ۱۲ هزار تومان شد - احتکار ۵۰۰۰ بند کاغذ (سمیه استان اصفهان سالانه ۲۵۰۰۰ بند است) - احتکار ۱۵ هزار بیل کشاورزی و ۲۲۰۰ کارتن خودکار بیک و ۵۰۰۰ روتن و روتن‌روغنی

۳ - پرونده شرکت دارویی کل کشور که در انبارهای آن ۳۷ میلیون مد قرص، ۳۲ میلیون عدد قطره و ۲۲ میلیون شیشه شربت دیجیل، ۲ میلیون عدد سرم خوراکی نگهداری شده بود.

۴ - همکاری یکی از بنیادها با یک شرکت دولتی دیگر برای فروش ۳۰ هزار عدد دیسک صنف کلاچ و بلبرینگ

۵ - شرکت و داد وابسته به نخست‌وزیری با همکاری شرکت سایپا ۳۴ هزار دستگاه رنو را توسط دلال‌های این دو شرکت با چندین برابر نرخ رسمی به بازار عرضه کرده‌است.

۶ - شرکت فولکس ماشین طی قرار داد ارزی - ریالی با سایپا، تعداد ۴۵۰۰ دستگاه اتومبیل رنو برای فروش از ادتحویل گرفته‌است.

۷ - یکی از شرکتهای ساختمانی وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی در مقابل تحویل چندین دستگاه آپارتمان، تعدادی رنو از شرکت سایپا دریافت کرده‌است. این آپارتمان‌ها در اختیار وابستگان مدیریت شرکت قرار گرفته‌است. مدیر شرکت از منصوبین بهزاد نبوی است. پرونده "شرکت بازرگانی کیش"، "ستاد جذب و هدایت کمک‌های مردمی"، "بنیاد خانواده شهدا"، و... مشتق نمونه از دزد بازار جمهوری اسلامی است. ارزیابی همین چند فقره دزدی طرح‌شده، نشان می‌دهد که ریشه همه اختلاس‌ها به سران رژیم و وابستگان آنان ختم می‌شود.

بانک جهانی و صندوق بین المللی پول:

انبار غارتگری و ستم در کشورهای جهان سوم

در روز پنجشنبه هفته گذشته ۲۹ سپتامبر کنگره سه روزه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در برلین فدربی، به کار خود پایان داد. اگرچه رؤسای این دو نهاد فارتگر، پس از پایان کنگره، بیان کار آن را مثبت توصیف کردند، اما واقعیت این است که هر دو طرف، چه طلبکاران و چه بدهکاران، بدون هیچگونه دستاورد مشخصی کنگره را ترک کردند طلبکاران و بهزیان مشخص تر کشورهای امپریالیستی به سرکردگی آمریکا، در کنگره بر روی پس گرفتن طلب های خود از کشورهای مقروض، که عمدتاً از جهان سومند، اصرار ورزیدند، اما به نتیجه معینی نرسیدند. بدهکاران آه در بساط ندارند. کشورهای مقروض هم در مقابل کمترین خواسته شان این بود که بهره ها کاهش یابد و بر مهلت بازپرداخت وامها افزوده شود. این خواسته ها نیز به جایی نرسید. کنگره مساله ای را حل نکرد و تنها توانست ابعاد مساله را عیانتر سازد.

بدهی های کشورهای جهان سوم به کشورهای امپریالیستی مدام در حال افزایش است. در سال ۱۹۸۲ کشورهای جهان سوم ۳۸۱ میلیارد دلار بدهکار بودند و اکنون بدهی آنها به ۱۲۴۵ میلیارد دلار

رسیده است. افزایش بدهی ها به معنی فقر و فاقه بیشتر است. در دهه ۸۰ درآمد سرانه ۱۷ کشور جهان سوم که از همه مقروض ترند، بطور متوسط ۱۵ درصد کاهش یافته است. این رقم برای کشورهای آفریقایی مرکزی ۲۵ درصد است. در این کشورها سرمایه گذاری یک سیر نزولی را طی می کند و به طور متوسط هر سال ۴/۸ درصد کمتر از سال قبل است بیکاری در برخی مناطق ۲۵ تا ۴۰ درصد نیروی آماده به کار را شامل می شود.

قرضها افزایش می یابند فیدل کاسترو در سال ۱۹۸۵ وضعیت انفجاری کشورهای مقروض آمریکای لاتین را چنین توصیف کرد: "یامساله این قرضها حل می شود و بحران اقتصادی بر طرف می گردد و یا این که آمریکای لاتین شاهد یک انفجار اجتماعی خواهد بود. اگر از من در مورد نوع این انفجار پرسید خواهیم گفت: این انفجار به یک برآمد همومی انقلابی تبدیل خواهد شد." چنین وضعیتی "دور اندیشان" امپریالیستی را به فکر واداشته است. کیسینجر وزیر اسبق خارجه آمریکا سه سال پیش در این رابطه تاکید کرد: "دیواری که از قرضها

بنا شده است، دیر یا زود فرو خواهد ریخت. بحرانهای سیاسی و خیزشهای اجتماعی در کشورهای مقروض، اجتناب ناپذیر به نظر می آیند." سرمداران بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در کنگره برلین فدربی، به کشورهای مقروض توصیه کردند برای این که بتوانند بدهی های شان را بازپرداخت کنند، بر میزان صادراتشان بیفزایند. این توصیه اگر بخواهد جامه عمل پوشد، در گام نخست با مقاومت خود توصیه کنندگان مواجه خواهد شد. هر ساله کسری موازنه در مبادلات خارجی کشورهای جهان سوم به طور متوسط حدود ۱۰ درصد کاهش می یابد. کشورهای امپریالیستی مدام در زمینه مبادلات بازرگانی سیاستهای ناهادانه تری را به کشورهای جهان سوم تحمیل می کنند و از این رو توصیه "افزایش صادرات را اگر بخواهیم جدی بگیریم، تنها معنی واقعی آن این است که کشورهای مقروض باید به امپریالیستها میدان دهند تا هست و نیست آنها را هارت کنند و بر روی تمام منابع طبیعی آنها چنگ بیندازند.

بانک جهانی و صندوق بین المللی پول سالهاست که به بهانه کمک به بهبود اوضاع اقتصادی کشورهای عقب مانده، الگوهای اقتصادی ویژه ای را به آنها تحمیل می کنند که هدف آنها صرفاً تامین منافع سرمایه بین المللی و سرمایه وابسته داخلی است. آنها برای فارتگری بیشتر همواره راه تقویت ارتجاع و دیکتاتوری در کشورهای تحت سلطه را پیش می گیرند. در شیلی دولت آنده از دریافت اعتبار از بانک جهانی محروم شد، اما وقتی که پینوشه بر سر کار آمد بانک جهانی و صندوق بین المللی پول با تمهات و به کمک رژیم کودتا شتافتند تا جای پای پینوشه و در واقع جای پای خود را در شیلی محکم کنند. این یک نمونه استثنائی نیست. در اکثر کشورهای جهان سوم می توان آشکارا شاهد رابطه تنگاتنگ ارتجاع و "کمک های دریافتی" از بانک جهانی و صندوق

بین المللی پول بود. بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، به مثابه "بانک کارگشایی" عمل نمی کنند. آنها وام میدهند، مشخص میکنند که وام چگونه باید مصرف شود و اگر پای تولید در میان باشد از کجا تکنولوژی وارد شود.

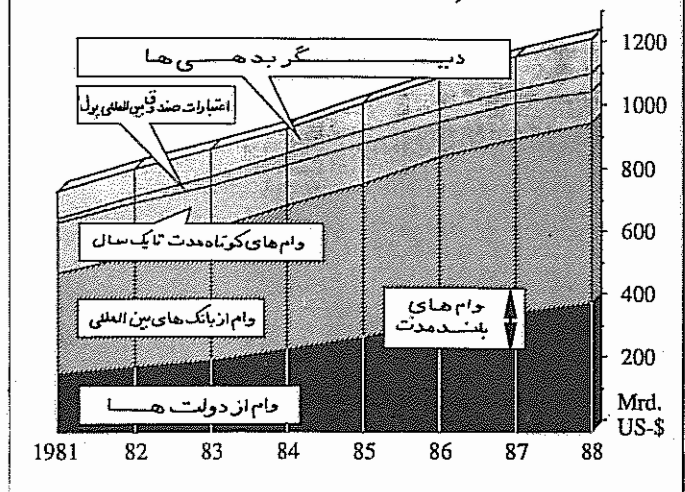
وام که داده میشود بلافاصله متناسب با حجم آن صندوق بین المللی پول به کشور وام گیرنده فشار وارد می آورد که نرخ پول خود را در برابر ارزهای قوی بین المللی کاهش دهد. در سال ۱۹۸۰ صندوق بین المللی پول شرط پرداخت وام به ترکیه را کاهش بهای لیر ترک قرار داد. دولت ترکیه برای گرفتن وام ۳۵ درصد ارزش لیر را کاهش داد و نتیجه این که بین ۳۵ تا ۱۷۵ درصد بر قیمت کالاها و خدمات مصرفی در ترکیه افزوده شد.

در کنگره برلین فدربی گفته شد که بانک جهانی در کشورهای سوم دست به سرمایه گذاری هایی خواهد زد که بر حجم صادرات این کشورها بیفزاید و واردات آنها را کاهش دهد. این سخن، سخن تازه ای نیست. اکثر قریب به اتفاق سرمایه گذاری های بانک جهانی نتیجه عکس بخشیده اند. در سودان وقتی که کارخانه شکر تاسیس شد به کمک وام بانک جهانی به کار افتاد، مشخص شد که قیمت شکر تولیدی در این کارخانه چندین برابر شکر وارداتی است. نتیجه کارخانه تعطیل شد و سرمایه هنگفتی بر باد رفت وامها تنها بدین طریق بر باد نمی روند. در اکثر موارد وامها یا صرف واردات لوکس و یا صرف تسلیحات می شوند. بخشی از وامهای دریافت شده نیز طبیعتاً از حساب شخصی دیکتاتورهای حاکم در جهان سوم سر در می آورند.

همچنان که در گفته کاسترو دیدیم بدهی های کشورهای جهان سوم به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ممکن است منشاء خیزشهای عظیم اجتماعی در این کشورها باشد. این وجه عام مساله و این نکته که ممکن است در دوره "بازسازی" جمهوری اسلامی نیز بایانک جهانی سرو کار پیدا کند، می طلبد که به سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول توجه ویژه ای داشته باشیم و این سیاستها را دقیقاً پیگیری کنیم.

قرض های جهان سوم

افزایش بدهی های خارجی کشورهای جهان سوم در دهه ۸۰ (به میلیارد دلار)



برخی اطلاعات فرهنگنامه‌ای در مورد:

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول

هیأت اجرایی است که در بالای سر آن هیأت مدیران قرار دارد. رئیس بانک جهانی طبق اساسنامه می‌بایست از طرف هیأت اجرایی برگزیده شود ولی تاکنون روال کار چنین بوده، که رئیس جمهور آمریکا، رئیس بانک را انتخاب می‌کرده است. این نحوه سازماندهی که بنیاد آن "سرمایه بیشتر، حق رای بیشتر" است،

آمریکا و دیگر کشورهای همدم امپریالیستی را به اختیار در مطلق امور بانک جهانی تبدیل کرده است. بانک جهانی اعتبارات خود را از

سه منبع تأمین می‌کند: ۱ - اعتباراتی که از جانب دولتها در اختیار بانک قرار می‌گیرد، ۲ - اعتبارات بانکهای مرکزی کشورهای، ۳ - دیگر بانکها و موسسات همدم پولی و اعتباری.

صندوق بین‌المللی پول

صندوق بین‌المللی پول که اکنون در آن ۱۵۱ کشور عضویت دارند، همچون بانک جهانی، در سال ۱۹۴۴ بر مبنای قرارداد "برتون وودز" تشکیل شد. هدف از تشکیل این صندوق "تنظیم و تسهیل تبدیل ارزهای جهانی" و در واقع تثبیت سیطره دلار بود. تشکیلات این صندوق همچون تشکیلات بانک جهانی است. پس از یک دوره رقابت بین آمریکا و انگلیس، آمریکا به نیروی فائده در صندوق بین‌المللی پول تبدیل شد. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، به موازات هم‌دیگر عمل کرده و مکمل هم محسوب میشوند.

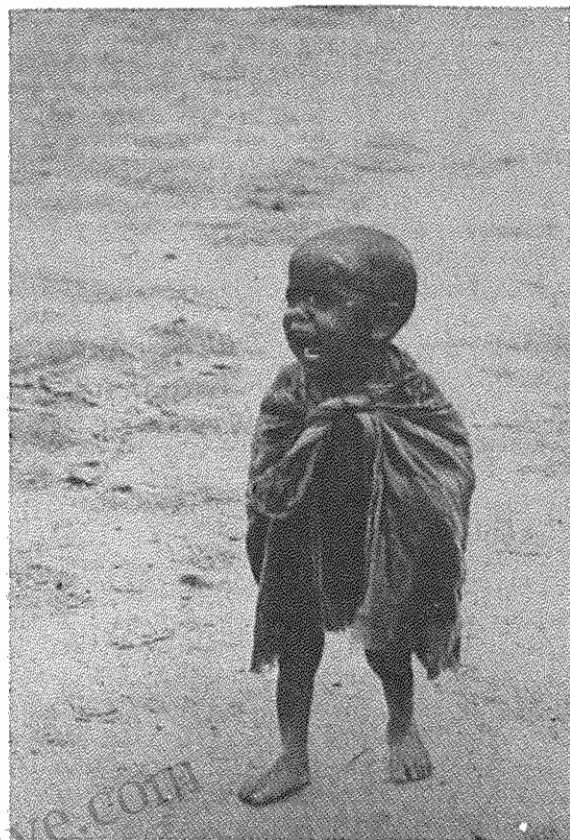
بین این دو، تنظیم سیاستهای ارزی برهمه صندوق بین‌المللی پول است. بانک جهانی به کشورهای مقروض سیاستهای اقتصادی خود را دیکته می‌کند و صندوق بین‌المللی پول بر مبنای این سیاستها، بر سر نوشت پول این کشورها حاکم شده و سیاست ارزی باب طبع کشورهای امپریالیستی را به کشورهای وابسته و بدهکار، تحمیل می‌کند.

بانک جهانی

بانک جهانی که عنوان رسمی آن "بانک بین‌المللی برای بازسازی و پیشرفت" است، در سال ۱۹۴۴ تأسیس شد. در اساسنامه این بانک قید شده بود که مرکز بانک در کشوری خواهد بود که در آن بالاترین سرمایه‌گذاری را دارد. از همین روال ابتدا مرکز بانک جهانی در واشینگتن پایتخت ایالات متحده آمریکا، قرار داشته است. بانک جهانی در آغاز هدف خود را کمک به بازسازی اروپا در دوره پس از جنگ، اعلام کرده بود. پس از این که وظیفه تحکیم سیطره امپریالیسم آمریکا در اروپای سرمایه‌داری برهمه "طرح مارشال" نهاده شد، بانک جهانی هدف خود را سیطره بیشتر بر "جهان سوم" قرار داد.

"بانک جهانی" بر مبنای اساسنامه مصوب دسامبر ۱۹۴۷ یکی از نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد محسوب می‌شود. اما در واقعیت امر، بانک جهانی کاملاً مستقل از سازمان ملل متحد است و سیاستهای خود را، خود تنظیم می‌کند. اصل پایه‌ای در نحوه تصمیم‌گیری در سازمان ملل "هر کشور، یک رای" است. اما در بانک جهانی هر کشوری که سرمایه بیشتری داشته باشد، از حق رای بیشتری برخوردار است. بر این مبنای ۲۱ درصد آرایه آمریکا، ۷/۵۷ درصد به انگلستان، ۴/۸۱ درصد به آلمان فدرال، ۴/۸۵ درصد به فرانسه و ۴/۷۹ درصد به ژاپن تعلق دارد. (آمار سال ۱۹۸۲)

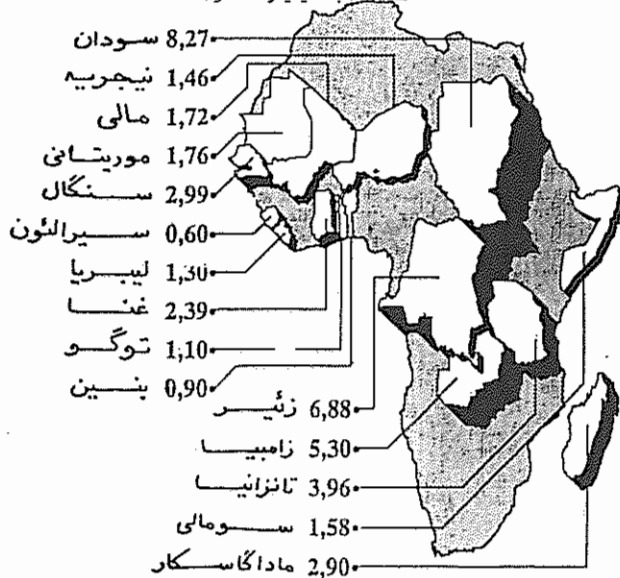
بانک جهانی در آغاز دارای ۴۴ عضو بود. اکنون ۱۴۲ کشور در این بانک عضویت دارند. اتحاد شوروی، لهستان، چکسلواکی و کوبا به ترتیب در سالهای ۱۹۴۷، ۱۹۵۵، ۱۹۵۴ و ۱۹۶۵ از عضویت در بانک جهانی کناره گرفتند. در بانک جهانی، بالاترین ارگان تصمیم‌گیرنده نه مجمع عمومی نمایندگان کشورهای عضو، بلکه



آفریقا گرسنه است و گرسنگی در آفریقا با قرضهای کشورهای آفریقایی به کشورهای امپریالیستی رابطه مستقیمی دارد. ارقام نسبت به وامهای کشورهای آمریکای لاتین چندان درشت نیستند، به درشتی این ارقام هنگامی پی می‌بریم که توجه داشته باشیم در مواردی از کل تولید اجتماعی سالانه در کشور مقروض فراتر می‌روند.

آفریقای مقروض

(۱۹۶۵ به میلیارد دلار)



عاقلا نه ترین کار، انقلاب است

مصاحبه نشریه "جهان سوم" با "ریگاردو ریبر" نماینده جبهه رهایی بخش ملی فارابوندو
مارتی و جبهه دمکراتیک انقلابی السالوادور

فارابوندو مارتی و جبهه دموکراتیک انقلابی در السالوادور را در هم بشکنند. اما علی رغم قدرت گیری نیروهای انقلابی، در کوتاه مدت نمی توان انتظار پیروزی را داشت. شما در چنین وضعیتی چه هدفی را پی می گیرید؟ آیا برای پایان یافتن جنگ یعنی دستیابی به یک راه حل سیاسی مبارزه می کنید؟ راه ملی که شرایط دموکراتیکی را برای پیشبرد مبارزه به شکل سیاسی فراهم خواهد کرد، اما به معنی انتقال قدرت به نیروهای انقلابی نیست. و یا این که مبارزه مسلمانان را تا رسیدن به پیروزی ادامه می دهید؟

آریبر: ما به تجربه آموخته ایم که پیشرفت هایمان در هرصه مبارزه سیاسی در هرصه دیپلماتیک، در زمینه سیاست اتحادها، در جنبش توده ای و در مبارزه برای مذاکره، رابطه مستقیمی با پیشرفت هایمان در زمینه نظامی دارد. ما متناسب با قدرت نظامی مان است که یک قدرت دوم و یک آلترناتیو محسوب می شویم. براساس قدرت نظامی مان است که امکانات نوینی برای دیگر اشکال مبارزه و از جمله سیاست توافق ملی و حل منازعات از طریق مذاکره پدید می آید. ویتنام برای دستیابی به پیروزی، چند دهه رزمید. نیکاراگوئه عملاً از ۱۹۷۹ تاکنون در مبارزه است و امروزه اساساً به پیروزی دست یافته است. مادر السالوادور علیه امپریالیسم و علیه امکانات آن برای پیشبرد این جنگ نامنظم (علیه استراتژی، علیه تکنولوژی و دیگر امکانات آن) می رزمیم. منطقاً، با شرایطی که مبارزه در آن پیش می رود، رزم ما حادثه و مشکل تر است. با این وجود، عاقلانه ترین کاری که ما می توانیم بکنیم، انقلاب است. آنهایی که به عنوان مثال در السالوادور، می خواهند به ما بقبولانند که یک مشی فرمیسیتی، یک مشی دراز مدت مسالمت آمیز، عاقلانه تر است، به خطا می روند. تاریخ - هم

قرارداد سایوآ از چارچوبه اسکولیپولاس هم فراتر رود. هلت آن آشکارا به موازنه توا برمی گردد. ساندنیستها به لحاظ سیاسی و نظامی در موقعیت مناسبتری قرار داشتند. فقدان اراده سیاسی حکومت السالوادور، برای این که به الزامات قرارداد دوم اسکولیپولاس عمل کند، در رابطه مستقیم با موازنه نظامی ای قرار دارد که تاکنون مشخصه مبارزه در السالوادور بوده است. تغییر این موازنه به نفع ما شرط ضروری و اجتناب ناپذیر مجبور کردن رژیم به مذاکره و ممانعت از مداخله مستقیم ایالات متحده است. جبهه فارابوندو مارتی در همان حال که بر شتاب مبارزه سیاسی و نظامی می افزاید، مبارزه برای گفتگو و مذاکره را شدت می بخشد.

***سؤال: آیا قرارداد منعقد شده امکاناتی را برای تثبیت انقلاب ساندنیستی فراهم می کند؟ این امر چه تأثیری بر روی مبارزه شما دارد؟**

آریبر: جنبش رهایی بخش در السالوادور، سالهاست که سنگر مقدم دفاع از نیکاراگوئه آزاد است، چرا که این جنبش جلوی تجاوز ارتش السالوادور علیه خلق برادر در نیکاراگوئه را می گیرد. اکنون انقلاب ساندنیستی در مرحله گذار از دوره در هم شکستن تجاوز به دوره مقابله با محاصره اقتصادی و بازسازی کشور به عنوان یک وظیفه مقدم است. در این شرایط ضروری است بر شدت مبارزه ای که شعار آن "نیکاراگوئه باید زنده بماند!" است، بیفزاییم.

آیا بهترین شرط بقای نیکاراگوئه، پیروزی انقلاب در السالوادور نیست؟ از این نظر شعار مرحله ای ما چنین است: نیکاراگوئه باید زنده بماند، السالوادور باید پیروز شود!

***سؤال: جنگ در السالوادور حدوداً هشت سال است که ادامه دارد. در طی این مدت امپریالیسم آمریکا نتوانست مقاومت جبهه رهایی بخش ملی**

این شواهد است که می توان گفت امپریالیسم آمریکای شمالی می خواهد راهی را که در بالا بدان اشاره شد، پیش گیرد.

***آیا مبارزه مسلمانان جنبش های رهایی بخش بهشت بالا گرفتن تشنجات بین المللی نمی شود؟ آیا منازعات مسلحانه باعث مداخله گری آمریکا نمی شوند و از این طریق خطر پدید آمدن بحرانی را در بر ندارند که ممکن است منجر به یک جنگ اتمی شود؟ بدین لحاظ آیا به مراتب بهتر نیست برای حل سیاسی منازعات مبارزه شود؟**

آریبر: بدیهی است که جبهه فارابوندو مارتی در السالوادور نه دارای سلاحهای اتمی است و نه تصمیم دارد صاحب سلاح اتمی شود و چنین سلاحی را به کار گیرد. به همینسان ما نه تصمیم داریم به آمریکا حمله کنیم و نه به کشور دیگری.

ما خواهان آنیم که مستشاران نظامی خارجی از السالوادور بیرون روند، کمک های نظامی و مالی که ادامه جنگ را ممکن می سازند، قطع شوند و به صدور اسلحه از خارج پایان داده شود. ما تمهیداتی را پیشنهاد کرده ایم که رهایت این نکات از هر دو طرف، از سوی جهانیان قابل کنترل باشد.

***سؤال: به نظر تو آنچه که باعث رسیدن به قرارداد اسکولیپولاس شد، چیست؟ هلت آن شکست سیاست مداخله جویانه آمریکا، آمادگی ساندنیستها برای مصالحه و یا قدرت آنها نبود؟ و یا این نبود که همه به این نتیجه رسیدند، منازعات راه حل نظامی ندارد؟**

آریبر: روند اسکولیپولاس ۲ در ۱۱ ماهه گذشته به روشنی نشان داده است که نباید گفت یا راه حل سیاسی یا راه حل نظامی، این دو آلترناتیو یکدیگر نیستند.

انقلاب باید به حد کافی توام گرفته باشد، تا ایالات متحده را به پذیرش صلح و یک راه حل سیاسی، مجبور کند. انقلاب ساندنیستی توانست از اسکولیپولاس بهره برد و بعداً با

مصاحبه زیر را نشریه "جهان سوم" با "ریگاردو ریبر" نماینده جبهه رهایی بخش ملی فارابوندو مارتی

(اف.ام.ال.ان.) و جبهه دموکراتیک انقلابی السالوادور (اف.دی.آر.) به عمل آورده است. متن این مصاحبه در شماره سپتامبر ۱۹۸۸ ماهنامه "السالوادور رپورت" تجدید چاپ شده و ما آن را از این ماهنامه برگرفته ایم. در مصاحبه، از موقعیت انقلاب در نیکاراگوئه و در السالوادور توصیف موجز و دقیقی به عمل می آید. در مصاحبه به قرارداد اسکولیپولاس اشاره می شود که منظور از آن قرارداد صلح در آمریکای مرکزی است که رئیس جمهور کوستاریکا مبتکر طرح آن در سال گذشته بود.

دو نکته مهم در مصاحبه یکی رابطه بین صلح و تشنج زدایی بین المللی و روند انقلاب در یک کشور و دیگری مراحل پیشرفت فرآیند انقلاب از نظر کمونیستهای السالوادوری است.

***سؤال: مپای تشنج زدایی بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی، که مظهر بارز آن توافق بر سر برچیدن موشکهای برد متوسط است، تلاش برای پایان دادن به منازعات منطقه ای شدت گرفته است. در این رابطه می توان مقدم بر همه به افغانستان، آنگولا، کامپوچیا، و حتی به آمریکای مرکزی اشاره کرد. آیا به نظر تو این دوروند بام مرتبطند؟**

آریبر: پیشرفتهایی که در جهت تشنج زدایی در جهان سوم حاصل می شوند، بسیار مهم و مثبتند. باید فشار جهانی برای حل سیاسی منازعات در هرصه بین المللی و جهانی، تشدید شود. اما هنوز باید مشخص شود که آیا ایالات متحده آماده است در این جهت گامهای موثری بردارد یا نه. ممکن است آمریکا بکوشد تشنج زدایی را صرفاً به رابطه با اتحاد شوروی محدود کند و در همان حال بر شدت تحاؤزگری هایش علیه کشورهای انقلابی و جنبش های رهایی بخش در جهان سوم، بیفزاید. پنتاگون بودجه بیشتری به تولید سلاحهای قراردادی (غیر اتمی) اختصاص داده و آشکارا مدافع تشدید جنگ کثیفی است که امروزه بر آن "استراتژی منازعاتی با شدت کمتر" نام نهاده اند. بر مبنای



السالوادور - زنی در ماتم شوهرش می‌گیرد. شوهر او را همراه با ۹ نفر دیگر در یورش دو هفته پیش به روستای سان سباستیان در ۵۰ کیلومتری شرق سان سالوادور کشتند. مزدوران رژیم دوارته برای انتقام‌گیری از اهالی این روستا که از جبهه آزادی‌بخش فارابوندو مارتی طرفداری می‌کنند، به ده یورش آوردند، همه اهالی را در کلیسا جمع کردند، اسم ۱۰ نفر را از روی یک لیست خواندند و آنها را با خود بردند. اندکی بعد صدای شلیک ممتد گلوله و بعد انفجار چند نارنجک آمد. هر ده نفر را کشته بودند. سه نفر از آنها زن بود.

این جنایتکاری‌ها نشان دهنده هراس رژیم السالوادور از حملات بی‌امان انقلابیون مسلح در هفته‌های اخیر است.

نداشته‌ایم. بدینسان انقلاب امکان یافته است که پایه حمایتی اجتماعی خود را گسترش دهد. انقلاب از این طریق ضعیف نشده و حتی برعکس، بسی بر قدرت آن افزوده می‌شود.

برای ما رادیکال بودن و یا منعطف بودن برنامه حکومتی آینده در درجه اول اهمیت نیست. آنچه که برای ما بیش از هر چیز مهم است خلع قدرت موثر از الیگارشی وابسته به امپریالیسم و نشان دادن یک قدرت دموکراتیک خلقی به جای آن است. از این جهت مبارزه آزادی‌بخش در السالوادور چشم‌انداز روشنی در برابر خود دارد و پیروزی آن چندان دیر نخواهد پایید.

ائتلاف قرار نمی‌دهیم. متحدین انقلاب، پایه اجتماعی و سیاسی جنگ انقلابی خلق را تشکیل می‌دهند. امروزه نسبت به دوره آغاز نبرد، شمار آن نیروهایایی که با ما در برخی نکات هم نظرند، افزایش یافته است. طولانی شدن جنگ - که ایالات متحده آن را موفقیت خود می‌داند - به ضرر خود آمریکا تمام شده است. آمریکا می‌خواست انقلاب را منزوی کند، اما خود منزوی شد.

ما یک پلاتفرم حداقل ارائه داده‌ایم که در آن خواست ناسیونالیست‌ها و خواست نیروهای غیرانقلابی اما طالب صلح را هم منظور کرده‌ایم. حتی آن کسانی را که قبلاً با ضدانقلاب همکاری داشته‌اند، از نظر دور

قراره را رویهم بریزیم و بخواهیم از وضعیت آنها به یک قاعده برسیم بهتر است از روشی استفاده کنیم که ما را بیشتر به واقعیت نزدیک می‌کند. این روش همانا "تحلیل مشخص از شرایط مشخص" است. ما بر همین مبنا می‌گوییم امروزه که در اواخر دهه هشتاد بسر می‌بریم وضعیت مساعدتری نسبت به گذشته داریم. امکانات بین‌المللی و سיעتر و جو بین‌المللی بازتر از آن هنگامی است که کوبا و ویتنام به پیروزی دست یافتند.

امادر مورد روند انقلاب در السالوادور؛ در اینجا ما یک روند انقلاب سوسیالیستی مواجهیم که نخست در یک مرحله انقلاب دموکراتیک با خصایص ضدالیگارش و ضد امپریالیستی، جریان می‌یابد. همین این روند چنین است و ما بر مبنای آرمانها و آرزوهایمان چیزی را بدان القا نمی‌کنیم.

بر مبنای مرحله کنونی انقلاب ما ضرورتاً سیاستی را پیش گرفته‌ایم که آماج آن یک اقتصاد مختلط، پلورالیسم سیاسی و مدم تعدد در زمینه سیاست خارجی است. ما در زمینه برنامه و آماج حکومتی بسیار با انعطاف برخورد می‌کنیم. ترکیب حکومت موقت پیشنهادی ما طیف وسیعی را در بر می‌گیرد. چنین حکومتی باید بازتاب دهنده یک توافق ملی باشد، توافق بر سر این که جنگ پایان یابد، دخالت آمریکا متوقف شده و جلوی طولانی شدن درگیری‌ها گرفته شود. ما هیچ نیرویی را که با این هدفهای بلاواسطه حداقل توافق داشته باشد، خارج از دایره اتحاد و

تاریخ ما و هم تاریخ شما - حق را به ما می‌دهد.

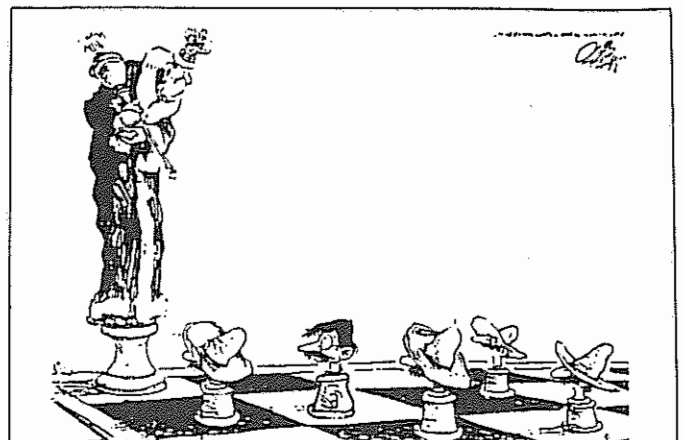
سؤال: همانگونه که نمونه

نیکاراگوئه نشان می‌دهد، به دلیل موقعیت جغرافیایی، عقب‌ماندگی و شرایط اقتصاد جهانی، ژرفش انقلاب در جهت سوسیالیسم با دشواری مواجه می‌شود. وضعیت کشورهای دارای سمت‌گیری سوسیالیستی و یا سوسیالیستی نظیر افغانستان، آنگولا، موزامبیک، کامبوجیا و ویتنام نیز نشان دهنده این مشکل است. درک این مساله چه تاثیری بر روی برداشت شما از انقلاب در کشورتان به جا می‌گذارد؟

مثلاً تاثیر آن بر روی سیاست اتحادهای شما در سطح داخل و در سطح بین‌المللی چیست؟ بر همین مبنا روند انقلاب باید از چه مراحل عبور کند؟

از بیه را: بعضی وقتها به نظر می‌رسد اهالی هر قاره‌ای از پشت عینک ویژه خود، به جهان می‌نگرند. ما خود از منظر آمریکای لاتین، جهان را کمی تیره و تارتر می‌بینیم.

با این وجود به اعتقاد ما این امپریالیسم است که رو به تمقرا می‌رود و مدام منزوی‌تر شده و بیشتر در موقعیت دفاعی قرار می‌گیرد. این روند هم یک گرایش هم‌می‌است (در این رابطه کافی است نگاهی به نقشه سیاسی جهان پس از جنگ جهانی دوم بین‌کنید) و هم در وضعیت‌های مشخص نمود می‌یابد (به عنوان مثال سیاست خارجی تجاوزکارانه دولت ریگان چه دستاوردهایی داشت؟) به جای این که چند کشور از چند



پیاده‌ها شاه را مات کرده‌اند

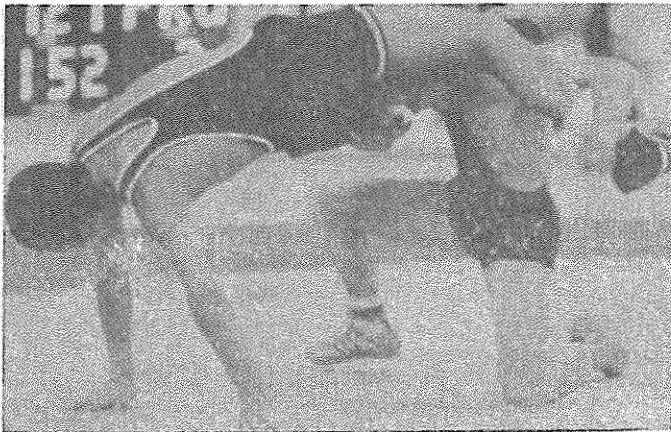
المپیک:

زیبایی و توانایی

شادمانی و حسرت



روزیکنشبه دوم اکتبر بازیهای المپیک تابستانی به پایان رسید. در طی قریب دو هفته ورزشکاران کشورهای مختلف کوشیدند بیشترین قدرت جسمی و روحی خویش را به ظهور رسانند. رقابتهای بسیار فشرده برای کسب مدال و برتری صحنههای شور انگیزی از توانایی و زیبایی را متجلی ساخت. شادمانی پیروزی و اندوه، ناکامی اجزای مهم پیوسته این رقابتهای بودند. در کنار رقابتهای ورزشکاران کشورهای مختلف در هر رشته معینی، همیشه مسابقه دیرینهای بین کشورهای برای کسب ردههای بالاتر در مجموع مدالها وجود داشته است. شاخصترین و مورد توجهترین رقابتها در این عرصه دورههای اخیر بازیهای المپیک بین اتحاد شوروی و آمریکا در جریان بوده است. در المپیکهای مسکو و لس آنجلس این رقابتها با وقفه مواجهه شد. المپیک سئول شاهد پیروزی و دور از دسترس قرار گرفتن اتحاد شوروی و شکست آمریکا در مقابل قدرتی دیگر، آلمان دموکراتیک بود. در زیر جدول رده بندیها و صحنههایی از بیست و چهارمین بازیهای المپیک را ملاحظه می کنید:



کریستین اوتو، ستاره مسابقات المپیک سئول از جمهوری دموکراتیک آلمان. این شناگر به تنهایی به شش مدال طلا دست یافت

صحنههایی از مسابقات کشتی آزاد المپیک از ایران تنها مسگری محمدیان کشتی گیر وزن ۵۷ کیلوگرم توانست به فینال راه یابد. وی در مسابقه نهایی به حریف شوروی خود باخت و صاحب مدال نقره شد. ادای احترام او به حریف برنده به عنوان یک حرکت زیبا بسیار مورد توجه گزارشگران قرار گرفت.



هر سه شادمانند. هم برنده مدال طلا، هم برنده نقره و هم برنده برنز



قدرت، زیبایی، هماهنگی، حرکات و تسلط جسمی در مسابقات خیره کننده ژیمناستیک المپیک. ولادیمیر آرتمونوف قهرمانی از اتحاد شوروی

برنز	نقره	طلا	
۴۶	۳۱	۵۵	اتحاد شوروی
۳۱	۳۵	۳۷	جمهوری دموکراتیک آلمان
۲۷	۳۱	۳۶	ایالات متحده آمریکا
۱۱	۱۵	۱۲	کره جنوبی
۱۵	۱۴	۱۱	آلمان فدرال
۶	۶	۱۱	مجارستان
۱۳	۱۲	۱۵	بلغارستان
۶	۱۱	۷	رومانی



مورتسیا بوسی دوآلنده - ۲۰۰ هزار نفر در مراسم استقبال از وی شرکت کردند.
او در روز ۲۴ سپتامبر به شیلی بازگشت.

شیلی در تدارک "همه پرسی" ۵ اکتبر

هفته جاری، برای سرنوشت سیاسی آینده شیلی هفته پر اهمیتی است. در روز ۵ اکتبر پینوشه همه پرسی خود را برپا خواهد کرد که در آن قرار است با آرای "آری" یا "نه" در مورد آینده حکومت ژنرال، تصمیم گیری شود. نیروهای اپوزیسیون مردم را فراخوانده اند تا به پینوشه "نه" گویند. همه بر این نظرند که رژیم دست به تقلب و سیاهی خواهد زد.

حزب کمونیست از مردم خواسته است جنبش "نه" را به جنبشی برای سرنگونی کل رژیم تبدیل کنند. جناح راست اپوزیسیون در شرایطی که نوک تیز حملات رژیم پینوشه متوجه حزب کمونیست است، هملا با رژیم همصدایی کرده و حزب را به دلیل این فراخوان متهم به "شوبگری" می کنند. در هفته گذشته رئیس پلیس شیلی در تلویزیون سانتیاگو باصطلاح اسنادی را نشان داد که بر مبنای آنها نتیجه گرفت حزب کمونیست در تدارک قیام است. رئیس پلیس صریحا اعلام کرد که در روز ۵ اکتبر مخالفین و در درجه نخست کمونیست ها در صورت

همه را دعوت به رهایت نزاکت و آرامش و دوری از "شیوه های کمونیست ها" کرده است.

بروز ناآرامی، با سرکوب شدیدی مواجه خواهند شد. رئیس حزب دموکرات مسیحی شیلی نیز

انتخاب نخست وزیر جدید در لهستان

پارلمان لهستان (سیم) در روز سه شنبه هفته گذشته (۲۷ سپتامبر) میچیسلاو راکووسکی را به عنوان نخست وزیر جدید برگزید. راکووسکی عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب متحد کارگران لهستان است.

راکووسکی در سخنرانی خود در "سیم" گفت امیدوار است در ظرف دو هفته بتواند کابینه خود را که نسبت به گذشته وزرای آن از طیف وسیعتری خواهند بود، معرفی کند.

یاروزلسکی دبیر کل حزب متحد کارگران لهستان راکووسکی را به عنوان یک شخصیت قوی سیاسی توصیف کرده است که مدافع پیگیر اصلاحات دموکراتیک و گفتگو با اپوزیسیون است. پیش از راکووسکی "مسز" نخست وزیر لهستان بود که اصلاحات اقتصادی وی همگی با شکست مواجه شدند. شورای سندیکاهای لهستان خواهان برکناری مسز شده بود. مسز پیش از رای گیری در پارلمان، خود از سمتش استعفا داد.

از میان دیگر رویدادها

● در روزهای ۲۴ و ۲۵ سپتامبر ۷۵۰ تن از نمایندگان سندیکاهای کارگری در چکسلواکی که هشت میلیون حضور را در بر می گیرند، در پراگ گرد آمدند و در قطعنامه پایانی نشست خود از پرسترویکا (نوسازی) به شیوه شوروی اعلام پشتیبانی کردند.

● پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در هفته گذشته، تصمیمات اقتصادی تازه ای برای تثبیت قیمت ها، کاهش تورم و بهبود شیوه های کار، اتخاذ کرد.

تداوم اعتصاب عمومی در برمه

جایی نبردها است. در هفته گذشته سه تن از رهبران اپوزیسیون - با گرایش های دموکراتیک و لیبرالی - تشکیل سازمان سیاسی واحدی به نام "جبهه واحد ملی برای دموکراسی" را اعلام کردند. این سه تن عبارتند از:

تین او وزیر دفاع سابق که در ارتش دینفوذ است، ژنرال آونگ گی، و آونگ سان سوکی دختر ژنرال آونگ سان. از ژنرال آونگ سان به عنوان قهرمان ملی برمه در دوره جنگ های استقلال نام می برند. "جبهه واحد ملی برای دموکراسی" هدف خود را دموکراتیزه کردن کشور به شکل مسالمت آمیز و از طریق تشکیل یک حکومت موقت و انجام انتخابات آزاد به توستطان، اعلام کرده است.

تشدید "بحران حکومتی"

در لبنان

لبنان اکنون دارای دو "حکومت" شده است. امین جمیل، از مسیحیان مارونی در پایان دوره شش ساله ریاست جمهوری خود "میشل هون" فرمانده مسیحی ارتش لبنان را به عنوان نخست وزیر این کشور منصوب کرد و هون یک کابینه نظامی تشکیل داد. بلافاصله سلیم الحص کفیل نخست وزیر که از رهبران مسلمانان دروزی است نیز تشکیل یک حکومت تازه را اعلام کرد. کابینه سلیم الحص مورد پشتیبانی سوریه قرار گرفته است. همه نیروهای ترقی خواه در لبنان تشکیل کابینه میشل هون را به عنوان توطئه ای در جهت تجزیه این کشور آشوب زده ارزیابی می کنند.

اعتصاب عمومی در برمه ادامه دارد. نظامیان همچنان به جستجوی خانه به خانه در رانگون و دیگر شهرهای بزرگ برمه برای دستگیری سازمانگران جنبش، که همدا از دانشجویان هستند، ادامه می دهند. چند صد نفر از دانشجویان به نواحی مرزی گریخته اند تا به گروه های مسلح اقلیت های ملی بپیوندند.

رژیم نظامی ژنرال ساو مایونگ که با کودتای ۱۸ سپتامبر بر روی کار آمد، ارتش را در آماده باش کامل نگه داشته است تا جلوی بروز تظاهرات تازه را در رانگون بگیرد با این وجود هر روزه تظاهرات پراکنده ای در شهر انجام میشود تاکنون تهدیدات رژیم، برای این که مردم به اعتصاب عمومی پایان دهند، راه به

آمریکا و پاکستان، قرار داد

ژنرال انتقض می کنند

آمریکا و پاکستان برخلاف مفاد قرارداد ژنو همچنان به پشتیبانی نظامی خود از ضد انقلابیون افغانی ادامه می دهند. دولت افغانستان بارها در این مورد اعتراض کرده، اما آمریکا و پاکستان پیوسته به قرارداد ژنو بی توجهی نشان داده اند. اتحاد شوروی در هفته گذشته اعلام کرده دلیل تداوم حمایت نظامی آمریکا و پاکستان از ضد انقلابیون افغانی، شوروی از خارج ساختن بیشتر نیروهای نظامی خود از افغانستان خودداری خواهد ورزید. آمریکا و پاکستان با پیشنهاد شوروی مبنی بر تشکیل اجلاس مشترک وزرای خارجه افغانستان، پاکستان، آمریکا و شوروی مخالفت کردند.

اجلاس بین‌المللی نویسندگان:

«جهان سوم، جهان ما»

اصلی خود را «جهان سوم، جهان ما» قرار داد. از مهمترین اهداف آنان نگرش مجدد به «ارتباطات موجود و از دست رفته پلازم بین این دو جهان (شمال-جنوب) و روابط این دو در گذشته و حال و آینده» اعلام شد.

در میان دعوت‌شدگان و شرکت‌کنندگان در کنگره نام نویسندگانی چون اوله سونیکا، گابریل گارسیامارکز، فرانسیس بی و عزیزنسن دیده می‌شود. در طی جلسات مختلف که در مراکز متعدد و هرکدام با شرکت چندتنی از نویسندگان مهمان تشکیل شد، مسائل در دستور کنگره مورد بحث و بررسی قرار گرفت و حاضرین با طرح سئوالات خود نظرات نویسندگان مورد نظر و شرایط اجتماعی، هنری آن کشور را جویا شدند.

احمد شاملو به هنگام سفر به نورنبرگ بر اثر تصادف ماشین صدماتی را متحمل شد اما خوشبختانه اثر آن دیرپا نبود. شاملو طی چند روز و شب متوالی در شهرهای نورنبرگ، لایپزگ و فورت مطابق برنامه اعلام شده از سوی کنگره ساهاتی به شعر خوانی برای هموطنان خارج از کشور خود پرداخت. بخاطر حضور علاقمندان آلمانی، این اشعار همواره از میان شعرهایی که ترجمه آلمانی آنها نیز موجود بود، انتخاب شد.

به ابتکار کانون نویسندگان آلمان فدرال، کنگره بین‌المللی ادبیات کشورهای جهان سوم در شهر نورنبرگ برگزار شد. برای شرکت در این کنگره که از جمله مهمترین اجلاس‌های جهانی ادبیات است، برجسته‌ترین نمایندگان ادبیات کشورهای جهان سوم دعوت شدند. کانون نویسندگان آلمان با دقت و بررسی زیاد نویسندگان و شاعرانی را از هر کشور برای شرکت در این کنگره دعوت کرد. از این رو کنگره از اعتبار و اهمیت زیادی برخوردار بود. از ایران شاعر و محقق نامدار، احمد شاملو به این کنگره دعوت شد.

این دومین کنگره بین‌المللی ادبیات کشورهای جهان سوم است که به همت کانون نویسندگان آلمان غربی برگزار می‌شود. اولین کنگره در سال ۱۹۸۲ با شرکت صدوپنجاه شاعر و نویسنده از پنجاه کشور جهان برگزار شد. کنگره نخست موضوع اصلی کار خود را «نویسندگان معاصر، همکاری‌شان به خاطر صلح، امکانات و محدودیت‌های آنان»، قرار داد. فراخوان کنگره نخست به خاطر صلح جهانی مورد پشتیبانی بیش از سه هزار نویسنده و شاعر از سراسر جهان قرار گرفت. دومین کنگره بین‌المللی نویسندگان جهان سوم، موضع

تغییرات تازه در

رهبری حزب کمونیست شوروی

به عنوان مسئول کمیسیون کشاورزی انتخاب شد و وادیم مدودیف به جای وی هم‌مدار مسئولیت امور ایدئولوژیک و کادری حزب گردید. در این پلنوم همچنین الکساندر یاکوف که تاکنون مسئول امور تبلیغات بوده است، به عنوان مسئول روابط بین‌المللی برگزیده شد. از دیگر تغییرات انجام شده برگزیدن ویکتور چبریکوف به عنوان مسئول کمیسیون حقوقی حزب است.

مدودیف در مصاحبه‌ای که پس از پایان کار پلنوم برگزار گردید تصمیمات پلنوم را در ادامه مصوبات کنفرانس نوزدهم حزب به عنوان یک موفقیت خط مشی میخائیل گارباچف توصیف کرد.

در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که در روز ۲۹ سپتامبر برگزار شد تغییرات تازه‌ای در رهبری حزب کمونیست شوروی داده شد. در این پلنوم آندره‌ای گرومیکو، به دلیل کبرسن از عضویت در دفتر سیاسی حزب کناره گرفت. او ضمن اعلام کناره‌گیری خود از دفتر سیاسی تاکید کرد که همچنان فعالانه از خط مشی نو سازی که «تنها راه دگر سازی انقلابی کل حیات جامعه و تنها راه علمی و صحیح است» پشتیبانی خواهد کرد. سولومنتسف نیز همچون گرومیکو به دلیل کبرسن از ادامه عضویت در دفتر سیاسی معاف گردید.

در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی لیگاف

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده

و همراه با معادل بهای اشتراك، تمهیداتی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «کار»
۱۳ مارك	۱۱ مارك	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۲۴	۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «اکثریت»
۳۰ مارك	۲۷ مارك	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۵۸	۵۲	☐ يك ساله	☐ يك ساله
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.226
MONDAY, 30KT, 88

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W.GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFTI
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید



احمد شاملو، به هنگام شعر خوانی در دانشگاه فنی برلین غربی قریب ۱۵۰۰ تن از ایرانیان مقیم این شهر برای شنیدن صدا و شعر الف-بامداد در جلسه شعر خوانی او گرد آمدند.